

بررسی اثر عدم اطمینان مالیات‌ها بر اشتغال بخش‌های عمده

اقتصادی ایران

طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۵۷

دکتر عزت اله عباسیان

عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان Abbasian@basu.ac.ir

مهدی مرادپور اولادی

کارشناس ارشد اقتصاد mehdi_moradpour@yahoo.com

حجت الله هاشم بیگی

کارشناس ارشد اقتصاد

تاریخ دریافت: ۸۴/۱۰/۲۰ تاریخ تصویب: ۸۴/۱۲/۱۷

چکیده

مقاله حاضر، به بررسی عدم اطمینان حاصل از نوسانات مالیات بر اشتغال بخش کشاورزی، بخش خدمات و بخش صنعت می‌پردازد. به این منظور، ابتدا خلاصه‌ای از مبانی نظری مربوط به موضوع بیان می‌شود و سپس روند متغیرهای مهم موجود در این تحقیق در سال‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، الگویی بر اساس مدل‌های استفاده شده در تحقیقات انجام گرفته در داخل و خارج از کشور برای بخش‌های کشاورزی، خدمات و صنعت، ترسیم می‌شود.

نا اطمینانی حاصل از نوسانات مالیات‌ها، بر اساس روش GARCH اندازه‌گیری شده و اثر آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی، با روش OLS تخمین زده شده است. بر طبق نتایج به‌دست آمده، تاثیر عدم اطمینان سیاست‌های مالی - بعد مالیاتی سیاست‌های مالی - بر بخش صنعت، خدمات و بخش کشاورزی، منفی است.

طبقه‌بندی JEL: H39, E62, E24, D89, C59

کلید واژه: عدم اطمینان، مالیات، اشتغال، بخش‌های عمده اقتصادی، روش GARCH.

۱ - مقدمه

امروزه اکثر کشورهای جهان با مسایل و مشکلات جذب نیروی انسانی آماده به کار در بازار کار، به صورت بی‌کاری مواجه‌اند، از این رو، انواع برنامه‌ها و سیاست‌های متنوع اقتصادی را در بازار کار انتخاب کرده و اجرا می‌کنند. طرفداران سیاست مالی بر این باورند که میزان تغییرات کوچک در مالیات‌ها، می‌تواند اثر قابل توجهی در سطح تقاضای کل به وجود آورد و به تبع آن، سطح اشتغال را هم تحت تاثیر قرار دهد. در زمینه تأثیر سیاست‌های مالی بر اشتغال در ایران، مطالعات زیادی انجام گرفته‌اند، اما به تأثیر عدم اطمینان حاصل از آن بر اشتغال، کم‌تر توجه شده است.

چون درآمد دولت در ایران بیشتر وابسته به درآمدهای نفتی است و این درآمد نیز نوسانات زیادی دارد، در نتیجه می‌تواند منجر به نوسان منبع درآمدی دیگر دولت (مالیاتها) شود. لذا، در این مقاله، عدم اطمینان نوسانات مالیات اندازه‌گیری شده و اثر آن را بر اشتغال بخش‌های کشاورزی، خدمات و صنعت مورد بررسی قرار گرفته است.

۲ - مبانی نظری و پیشینه تحقیق

از سیاست‌های پولی و مالی دولت، عموماً به عنوان «سیاست‌های مدیریت تقاضا» یاد می‌شود. چون این سیاست‌ها مدیریت و کنترل تقاضا را مورد بررسی قرار می‌دهند. اهداف کلی و مشترک سیاست‌های پولی و مالی (سیاست مدیریت تقاضا)، نزدیک نگه‌داشتن تولید و اشتغال و تثبیت سطح قیمت‌های موجود در اقتصاداند. بروز مازاد تقاضا احتمالاً موجب تورم خواهد شد، در حالی که کمبود تقاضا، حتی به‌طور موقت بی‌کاری نیروی کار و افت قیمت‌ها را در پی خواهد داشت.

سیاست مالی، استفاده از بودجه دولت برای اثرگذاری بر متغیرهای اقتصادی است. به عبارت دیگر، سیاست مالی، بر روی اثر تغییرات در بودجه دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل GNP، بی‌کاری و تورم، تمرکز می‌کند. در کشورهایی که ساختار تشکیلاتی لازم برای استفاده موثر از سایر سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی توسعه کافی نیافته است، توسل به سیاست مالی، تنها راه عمده برای نیل به توسعه و ثبات اقتصادی به حساب می‌آید، هرچند که فشار سیاسی، شوک‌های خارجی و نارسایی‌های اداری، توان دولت‌ها را برای استفاده از این سیاست تضعیف کرده است. هم‌چنین ملاحظه شده است که سیاست مالی، در بسیاری از موارد، از هدف اصلی خود به عنوان عامل تثبیت‌کننده اقتصاد دور افتاده و در موارد بسیار، نقش ضد تثبیتی عمده‌ای به خود گرفته است و به تشدید عدم تعادل کمک کرده است.

مکانیسم اثرگذاری سیاست‌های مالی بر اشتغال، در طی زمان دستخوش تحولاتی شده است. نظریات مکاتب مختلف اقتصادی پیرامون اشتغال و چگونگی اثرگذاری سیاست‌های مالی بر این متغیر را، می‌توان به صورت جدول (۱) خلاصه کرد.

کینزین‌های بنیادگرا، به همراه دیگران، بر یکی از نوآوری‌های کلیدی کینز، یعنی قرار دادن نقش عدم اطمینان در مرکز تحلیل اقتصادی، تاکید می‌کنند. مینسکی^۱ (۱۹۷۵)، به زیبایی این جنبه بحث کینز را در اظهار نظری چنین ارایه کرده است: «کینز بدون عدم اطمینان، مثل هملت بدون شاهزاده است». بر اساس تشخیص کینز اقتصادها در یک زمان تاریخی و نه زمان منطقی^۲ فعالیت می‌کنند و این که کارگزاران اقتصادی مواجه با زمان غیرقابل برگشت و ناشناخته ولی نه غیرقابل تصور هستند که این از جمله دستاوردهای دهه ۱۹۳۰ بوده است. در چنین دنیای منحصر به فرد و غیرقابل تکرار که قواعد احتمال کاربرد ندارند و

1- Minsky, h.p. (1975).

2- Logical time .

تغییرات بنیادین و گسسته هستند، وجود پول تعهدها و قراردادهای اهمیت مضاعفی پیدا می‌کنند.

محاسبات مربوط به احتمالات، ابزار صریحی برای رفتار انسانی در دنیای عدم اطمینان‌اند. طبق نظر کینز، بنیادهای رفتار ما، اغلب «به شدت ناپایدار، در حال نوسان، بی دوام، مبهم و منوط به بازنگریهای اساسی است». از این رو کینز و نایت^۱ بر بکارگیری تعهدات و قراردادهای توسط کارگزاران اقتصادی به عنوان بخشی از راه حل مسائل و مشکلات عدم اطمینان تاکید داشته‌اند.

همان‌طور که می‌دانیم تاثیر کاهش مالیات‌ها بر اشتغال به‌عنوان یک سیاست انبساطی مالی مثبت می‌باشد، زیرا افزایش مصرف بخش خصوصی منجر به افزایش تقاضا می‌گردد. و این امر نیز باعث افزایش تولید و اشتغال می‌گردد و بالعکس افزایش مالیات‌ها بر اشتغال اثر منفی دارد. حال سوال این است که اگر این دو عمل بدون توجه به وضعیت اقتصادی صورت بگیرد یعنی افزایش یا کاهش آن تنها با توجه به وضعیت درآمدهای دولت صورت بگیرد آیا یک ناطمینانی نامنی برای اقتصاد کشور به وجود نمی‌آید؟

بر اساس آمارهای موجود در ایران، میزان درآمدهای مالیاتی، با درآمدهای نفتی رابطه عکس دارد (بر اساس نمودار شماره ۱ پیوست)، زمانی که درآمدهای نفتی افزایش یافته، دولت از میزان مالیات‌های خود کاسته است و برعکس.

درآمدهای نفتی همواره نوسانات شدیدی به سر دارند، لذا درآمدهای مالیاتی نیز، به پیروی از آنها، دارای نوسانات شدیداند و یک ناطمینانی را درباره سیاست‌های مالیاتی به وجود آورده است که این عدم اطمینان نسبت به افزایش یا کاهش مالیات‌ها به غیر از آثار مستقیم آن می‌تواند به صورت غیرمستقیم اشتغال را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین، بررسی این مسأله که این نوسانات و ناطمینانی به سیاست‌های مالیاتی، تا چه اندازه می‌تواند بر سطح اشتغال اثر بگذارد، بسیار مهم است.

1- knight.

جدول ۱- آثار سیاست‌های مالی بر اشتغال، در مکاتب مختلف اقتصادی

نتایج نظریات		مفروضات	مکاتب
اثر سیاست مالی بر اشتغال	بیکاری		
بی اثر بودن سیاست پولی و مالی بر اشتغال	اقتصاد در اشتغال کامل است	اعتقاد به مکانیسم بازار و قیمت‌ها	کلاسیک‌ها
فقط سیاست مالی و تغییرات مخارج کل، سبب تغییر اشتغال و درآمد می‌شوند و سیاست‌های پولی، به صورت غیرمستقیم از طریق تاثیر بر نرخ بهره و تغییر تقاضای واقعی مؤثراند	بی‌کاری غیر ارادی	بررسی اقتصادی در کوتاه مدت	کینزین‌ها
سیاست مالی بر اشتغال اثر ندارد. سیاست پولی نیز در کوتاه مدت بر متغیرهای اقتصادی اثر می‌گذارد و در میان مدت و بلندمدت فقط اثرات تورمی دارد.	وجود نرخ طبیعی بیکاری	تأکید بر نقش پول در اقتصاد	پول‌گرایان
سیاست مالی بر اشتغال اثر ندارد و سیاست‌های پولی، هنگامی که تصادفی باشند، اشتغال را تحت تاثیر قرار می‌دهند	وجود بی‌کاری ارادی در حد نرخ طبیعی بی‌کاری و وجود بی‌کاری اصطکاکی	پذیرفتن فرضیه انتظارات عقلایی	کلاسیک‌های جدید
محدود کردن قدر اتحادیه‌ها و تصحیح در اطلاعات بازار کار توسط دولت راه مؤثر می‌دانند	بیکاری غیرارادی	در نظر گرفتن انعطاف‌پذیری قیمت‌ها و دستمزدها	کینزین‌های جدید

در زمینه عدم اطمینان سیاست‌های مالی در خارج از کشور، مطالعات زیادی انجام گرفته است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد، بارتلمو، مانزو و گیولی^۱ (۲۰۰۵)، در این زمینه مطالعه‌ای انجام داده‌اند. آنها در این مقاله، ثبات بین منابع مالی و پولی را در یک مدل ریاضی^۲ عدم اطمینان توضیح داده‌اند، که شامل فروض همزیستی^۳ است. مطالعه‌ای دیگر که در این زمینه انجام شده توسط دونت و هلن^۴ (۲۰۰۵) داده‌اند، در این مقاله، نویسندگان، اثر مالیات‌های غیرقابل پیش‌بینی، تغییرات مرتبط شده با ساختار هزینه‌های تولیدی و

1- Bartolomeo Gi ovanni Oi , Marco Manzo & Francesco Giuli.

2- Mutiplier .

3- Symbiosis Assumption .

4- Dhont Tine and Freddy Heylen.

غیراشتغال‌زای دولت بر اشتغال و رشد بلند مدت را بررسی و یک مدل تئوریک بر پایه مدل بارو بیان می‌کنند. مشاهدات استفاده شده در این مقاله مربوط به کشورهای اروپایی‌اند که به دو گروه دسته‌بندی شده‌اند، یک گروه بارشد بی‌کاری بالا و گروه دیگر بارشد بی‌کاری پایین است.

مطالعات دیگری در زمینه عدم اطمینان با محوریت متغیرهای دیگری انجام گرفته، که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

"عدم اطمینان نرخ ارز و تجارت خارجی در یک کشور در حال توسعه" توسط سوبرانا سامانتا^۱ (۱۹۹۸)، "عدم اطمینان اقتصاد کلان و سرمایه‌گذاری خالص در LDCs"، توسط لوییس سرون^۲ (۱۹۹۸)، "عدم اطمینان، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی"، توسط آستریونس و پرایس^۳ (۲۰۰۰) و "آیا عدم اطمینان بر رشد اقتصادی اثر دارد"، توسط لنسینک، هونگ بو و استیکن^۴. در همگی این مطالعات، برای محاسبه و اندازه‌گیری عدم اطمینان، از روش GARCH استفاده شده است.

در داخل کشور، در زمینه بی‌ثباتی سیاست‌های مالی و به‌خصوص بی‌ثباتی مالیات‌ها، مطالعه‌ای انجام نگرفته است اما در مورد بحث سیاست‌های مالی و اثر آن‌ها بر اشتغال، مطالعاتی انجام شده که به صورت خلاصه به آنها اشاره‌ای خواهیم کرد.

یکی از مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته توسط مرتضی سامتی می‌باشد. که او به بررسی اثر سیاست‌های مالی بر اقتصاد ایران به صورت بخشی مورد بررسی قرار داده‌اند و نتایج آن در کتاب اشتغال، بازارکار و سیاست‌های اقتصادی آورده شده است. در تحقیقی که مهدی تقوی و ابراهیم رضایی در سال ۱۳۸۳ انجام شده است، اثرات مخارج دولت و مالیات‌ها بر دو متغیر مصرف و اشتغال کل کشور با استفاده از مدل خود رگرسیونی برداری VAR مورد بررسی

1-Samanta.

2-Luis Serven.

3-Astrions and Price.

4-Hong Bo and Sterken.

قرار گرفته است. پس از تخمین مدل نتایج نشان می‌دهند که در اثر شوک مثبت مخارج دولت، مصرف و اشتغال افزایش می‌یابند در حالی که شوک منفی مالیات، مصرف را کاهش می‌دهد و اشتغال و اکنش معنی‌داری از خود نشان می‌دهد. اله محمد آقایی نیز در تحقیقی در سال ۱۳۸۳، تأثیر سیاست مالی را بر درآمد، تورم و اشتغال بررسی کرده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهند که افزایش مالیات‌ها اثر منفی بر اشتغال دارد.

۳- روند اشتغال در بخش‌های اقتصادی ایران

بررسی‌ها نشان می‌دهند که گرایش اشتغال در اقتصاد ایران طی دو دهه گذشته، به شدت به سوی بخش خدمات گراییده است، به گونه‌ای که سهم بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات در کل جمعیت شاغل کشور، از ۳۰/۵، ۳۷ و ۳۲/۵ در سال ۱۳۵۷ به ۳۳/۹، ۲۱ و ۴۵ درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده است [جدول ۲]. بر این اساس، تمرکز جمعیت شاغل بر بخش خدمات و شاید بسیاری از فعالیت‌های غیرمولد، به طور شگرفی افزایش یافته است. تمرکز بیش از اندازه اشتغال در بخش خدمات، می‌تواند سراغ‌باز بروز مشکلات متنوعی در اقتصاد، هم‌چون تورم، انحراف سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد و... باشد.

در فاصله سال ۵۷ تا ۸۳، سهم اشتغال کشاورزی همواره کاهش داشته و از ۳۷ درصد در سال ۱۳۵۷، به ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده است. اگر چه در سال‌های ۸۱ تا ۸۳ بر میزان اشتغال در بخش کشاورزی افزوده شده است؛ ولی این افزایش تأثیری در روند تنزلی سهم این بخش، تأثیر نداشته باشد.

در فاصله سال‌های ۶۷-۵۸، که هم‌زمان با دوران جنگ تحمیلی بوده است، رشد اشتغال در بخش کشاورزی منفی است. اما در سال‌های ۷۲-۱۳۶۸ (برنامه اول توسعه اقتصادی- اجتماعی)، رشد متوسط اشتغال در بخش کشاورزی مثبت می‌شود اما میزان این رشد بسیار کم است (۰/۳۳ درصد). لازم به ذکر است که در برنامه اول توسعه، سهم فصل عمران و نوسازی روستاها، با ۲/۳ درصد از

اعتبارات امور اجتماعی، با توجه به تعداد زیاد روستاها و وجود وضع بحرانی در آن‌ها از نظر ماندن یا کوچ کردن، بسیار اندک به نظر می‌رسد. این مسئله یکی از مواردی است که سبب مهاجرت روستاییان به شهرها و کاهش اشتغال در بخش کشاورزی شده است.

در فاصله سال‌های ۷۸-۱۳۷۴ (برنامه دوم توسعه)، که رشد اقتصادی با محوریت کشاورزی مورد توجه قرار گرفته بود، رشد متوسط اشتغال در بخش کشاورزی ۱/۰۷ درصد بوده است، اما هم‌چنان سهم اندکی از اشتغال کل را به خود اختصاص داده است. در سال‌های ۸۳-۷۹ و هم‌زمان با اجرای برنامه سوم توسعه، که یکی از محورهای اصلی آن ایجاد اشتغال بود؛ اشتغال در همه بخش‌ها رشد داشته است و میزان متوسط رشد اشتغال در بخش کشاورزی نیز، ۲/۴۱ درصد است.

لازم به یادآوری است که در کل دوره مورد بررسی (۱۳۸۳-۱۳۵۷)، متوسط سهم اشتغال بخش کشاورزی از اشتغال کل، ۲۶/۸ درصد بوده است، که کم‌ترین مقدار در بین بخش‌های مختلف اقتصادی را به خود اختصاص داده است [جدول ۲]. سهم اشتغال در بخش صنعت، پس از انقلاب و در فاصله سال‌های ۵۷ تا ۶۷ به طور مداوم با کاهش روبرو بوده است، ولی بعد از سال ۶۷ افزایش یافته است. علت اصلی چنین نوسانی مربوط به اشتغال در صنایع کشور بوده، که در سال‌های پس از انقلاب و به‌ویژه در سال‌های جنگ تحمیلی، آسیب جدی به آن وارد شده است. با وجود هزینه‌های سنگین ریالی و ارزی برای ایجاد صنایع کشور، اشتغال اندک صنعتی، بیان‌گر غیرصنعتی بودن کشور و تعیین‌کننده نبودن این بخش از فعالیت اقتصادی است.

گرچه نمی‌توان اهمیت یک بخش را فقط بر اساس معیار اشتغال تعیین کرد، ولی سهم بالای اشتغال در صنعت کشورهای صنعتی (حدود ۵۰ درصد) پیش از دوره فراصنعتی، می‌تواند دلیلی بر عدم رشد صنایع کشور باشد.

در دوره ۶۷-۱۳۵۸، رشد متوسط اشتغال در بخش صنعت، ۰/۰۸ درصد بوده است، که بعد از بخش خدمات قرار دارد. در دوره ۷۲-۱۳۶۸، که همزمان با اجرای برنامه اول توسعه و دوران بازسازی بوده، بخش صنعت از رشد بالایی برخوردار شده است (۵/۴ درصد)، که بالاترین میزان رشد در بین تمامی بخش‌ها است، اما با وجود افزایش اشتغال در بخش صنعت، کماکان سهم این بخش، از سهم بخش خدمات در اشتغال کل کمتر می‌باشد. در فاصله سال‌های ۷۴-۷۸ (برنامه دوم توسعه)، که در زمینه ایجاد اشتغال، مواردی از قبیل؛ انتقال افراد خارجی فاقد پروانه کار به کشورشان، اعمال تخفیف مالیاتی به کارفرمایانی که نیروی کار جدید استخدام کنند، اعمال تخفیف به سرمایه‌گذاران در مناطق کم‌تر توسعه یافته و توجه به صنایع کوچک و اشتغال‌زا پیش بینی شده بود، متوسط رشد اشتغال در بخش صنعت، به ۶/۲ رسیده و سهم آن از کل اشتغال در پایان دوره، ۳۳/۹ بوده است. هم‌چنین متوسط سهم اشتغال در بخش صنعت از، در کل دوره مورد بررسی، ۲۹ درصد است که بعد از بخش خدمات قرار دارد [جدول ۲].

اشتغال در بخش خدمات، در سال‌های مورد بررسی، هم از نظر تعداد و هم از نظر سهم از کل اشتغال، رشد داشته و از ۳۱۲۵/۰۸۱ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به ۸۳۳۳/۱۹۹ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ رسیده است [جدول ۱]. و سهم آن از ۳۲/۵ درصد در سال ۵۷ به ۴۷ درصد در سال ۸۳ رسیده است.

یکی از مهم‌ترین علل رشد اشتغال در بخش خدمات، رشد شدید اشتغال در «خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی» است. مهم‌ترین دلیل چنین رشدی، الگوی توسعه برگزیده شده است، که بدون ارتباط کافی با هدف‌ها، آرمان‌ها و خواسته‌های مردم و فقط با نسخه برداری از نظریه‌های غربی، در کشور به اجرا درآمده است. در چنین الگوهای برون‌زایی، توسعه امری دولتی به شمار آورده شده است و اکثریت قریب به اتفاق مردم، بی ارتباط با آن و گاه در برابر آن قرار می‌گیرند.

افزایش اشتغال در بخش خدمات را (بر خلاف کشورهای توسعه یافته)، می‌توان علامت بیماری اقتصادی کشور دانست، زیرا اشتغال زیادی در بخش‌های کشاورزی و صنعت ایران ایجاد نمی‌شود و جویندگان کار به بخش خدمات روی می‌آورند. درست است که مشاغل زیادی در اقتصاد واقعاً مولداند، اما فعالیت‌ها و شغل‌های زیادی هم در این بخش وجود دارند که نه فقط مولد نیستند، بلکه اگر هم تعطیل شوند، جامعه بیشتر نفع می‌برد. وسیع‌تر شدن دامنه بخش عمومی در دوره بعد از انقلاب اسلامی و ایجاد سازمان‌های اداری متعدد، و به ویژه، افزایش تعداد تقسیمات کشوری، بخش خدمات را گسترش داده است.

در طی ۶۴ - ۱۳۵۸، که هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی بوده است، بخش خدمات و سپس کشاورزی بیشترین سهم از اشتغال را به خود اختصاص داده و بخش آب و برق و نفت، کم‌ترین نیرو را به کار گرفته‌اند.

طی سال ۱۳۶۳، حدود ۳۵۰ هزار نفر نیروی کار جدید وارد بازار کار کشور شده‌اند که به دلیل محدودیت‌های ناشی از سرمایه‌گذاری ملی، حدود ۶۱ درصد آن‌ها جذب بخش‌های اقتصادی، به‌ویژه بخش‌های خدماتی (عمدتاً فروش و حمل و نقل) و تا حدودی ادارات دولتی (اکثراً آموزش و پرورش) شده‌اند و بقیه بر جمعیت بی‌کار کشور افزوده شده و از سویی، اشتغال در فعالیت‌های تولیدی و زیربنایی کاسته شده است.

تجزیه و تحلیل توأم فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی و بازده تولیدی این بخش‌ها، بیان‌گر این نکته است که بسیاری از فرصت‌های شغلی تکوین یافته، غیرمولد و به قیمت سقوط بهره‌وری کارکنان این بخش‌ها تمام شده‌اند. و از این دیدگاه فقط، اشتغال‌های جدید فعالیت‌های کشاورزی را، می‌توان اشتغال‌های مولد دانست و برعکس، بخش زیادی از اشتغال‌های جدید بخش‌های خدماتی را، باید به حساب اشتغال‌های ناقصی گذاشت که به دلیل رکود فعالیت‌های تولیدی و زیربنایی و هجوم نیروی

کار غیرکارآمد، بخش‌های خدماتی را به طور غیرطبیعی با تمرکز نیروی کار غیر لازم مواجه می‌کنند. هم‌چنین تقلیل شدید فعالیت‌های بخش ساختمانی، که خود انعکاسی از سرمایه‌گذاری کم‌تر دولت در این بخش است و ضمن دانستن اثرات منفی در صنایع کوچک ساختمانی کشور، موجب محدودیت و فعالیت بخش‌های خصوصی مرتبط نیز شده است، از دیگر علل این موضوع است.

در سال ۱۳۶۴، فعالیت‌های خدماتی، به دلیل سوددهی بیشتر، بخش عمده‌ای از جویندگان کار را به گونه‌ای کاذب به خود جذب کرده بودند. رونق فعالیت‌های زراعی و دامی، موجب پیدایش ۸۸ هزار شغل جدید و در نتیجه جذب بخشی از جویندگان کار به صورت مولد در این فعالیت‌ها شده است.

در سال ۱۳۶۷، ۸۷ درصد از فرصت‌های جدید شغلی تکوین یافته، به بخش خدمات تعلق داشته‌اند که نشان می‌دهند فعالیت‌های صنعتی و زیربنایی کشور، از تحرک و پویایی قابل قبولی برخوردار نشده‌اند. در سال ۱۳۶۸، بنیان‌های بزرگ صنعتی آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی، فعال و منابع سرمایه، بیشتری به فعالیت‌های تولیدی اختصاص داده شدند.

در فاصله سال‌های ۷۲-۶۸، رشد اشتغال در بخش خدمات، به پایین‌ترین مقدار خود رسیده است (۱/۷۲ درصد). سپس در دوره ۸۳-۱۳۷۹، رشد متوسط اشتغال در این بخش، به ۳/۳۸ درصد رسیده است. رشد متوسط اشتغال بخش خدمات در دوره، بعد از جنگ (۸۳-۱۳۶۸) نیز، به میزان ۲/۷ درصد بوده است [جدول ۲].

در فرایند رشد و توسعه اقتصادی، بخش کشاورزی به دلیل ماهیت خود (ضرورت مکانیزاسیون و محدود بودن عوامل تولید این بخش)، توان ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در انبوه را ندارد. و بخش صنعت نیز تا حدی توان ایجاد فرصت‌های شغلی زیاد را داشته و سپس در مرحله بعد، به دلیل ضرورت افزایش بهره‌وری و رقابت با رقبا، نمی‌تواند فرصت‌های شغلی زیادی را به وجود آورد، بنابراین، بخش خدمات است که باید این وظیفه را به عهده گیرد.

در سال‌های بعد از ۱۳۷۶، فرصت‌های شغلی بسیاری ایجاد شده که به طور عمده تحت تأثیر رشد تولید ناخالص داخلی غیرنفتی و رشد موجودی سرمایه قرار داشته‌اند.

۴ - روش اندازه‌گیری عدم اطمینان

نا اطمینانی در اقتصاد، تغییرات غیرقابل پیش بینی در یک متغیر اقتصادی است. مهم‌ترین ویژگی نا اطمینانی این است که نتایج مختلف احتمالی، برای آن در نظر گرفته می‌شوند، در نتیجه ممکن است مکانیسم‌های موجود در بازار و یا اهرم‌های سیاستی موجود در دست دولت، کارایی خود را در اقتصاد (در شرایط عدم اطمینان) از دست بدهند، به همین دلیل، باید به آن توجه زیادی شود.

در گذشته، روش‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری عدم اطمینان به کار گرفته شده‌اند اما هر کدام از این روش‌ها، نقایصی داشتند، در سال ۱۹۸۲، شخصی به نام انگل، مدل ARCH (خودرگرسیون واریانس ناهمسانی) را معرفی کرد و بولرسلو در سال ۱۹۸۶، آن را توسعه داد و آن را مدل GARCH (خودرگرسیون واریانس یک سری ناهمسانی تعمیم یافته) نامید، مدل GARCH می‌تواند واریانس یک سری زمانی را در یک نقطه مشخص زمانی تخمین بزند.

در این مطالعه برای اندازه‌گیری عدم اطمینان مالیات‌ها، ابتدا مدل پیش‌بینی برای مالیات بیان می‌شود که به صورت زیر است؛

$$Tax_t = \alpha_0 + \alpha_1 Tax_{t-1} \quad (1)$$

در این مدل، مالیات تابعی از مقدار مالیات دوره گذشته است. واریانس جمله خطا در مدل بیان شده ثابت نیست و واریانس معادله مالیات، به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$h_t^2 = \beta_0 + \beta_1 h_{t-1}^2 + \beta_2 \varepsilon_{t-1}^2 \quad (2)$$

این معادله، تابعی از وقفه گذشته خود و یک وقفه از مجذور خطا است، که بر اساس این مدل می‌توان واریانس مالیات‌ها را اندازه‌گیری کرد.

۵- سری‌های زمانی اطلاعات و الگوی تحقیق

داده‌های مربوط به اشتغال، از برآورد آمارهای سری زمانی اشتغال در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۵۰، توسط علیرضا امینی^۱ به دست آمده است و آمارهای مربوط به مالیات‌ها و مخارج دولت نیز، از دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور گرفته شده‌اند.

در این قسمت، با توجه به اهداف مطالعه، مدلی طراحی شده تا با استفاده از آن، بتوان به سیاست‌های اقتصادی برای نیل به اشتغال کامل دست یافت. مدل استفاده شده در این مقاله، به پیروی از مدل «مرتضی سامتی» در کتابی با عنوان «اشتغال، بازار کار و سیاست‌های اقتصادی»، پس از بعضی تغییرات، با استفاده از مطالعات خارجی انجام یافته در این زمینه، برای بخش‌های اقتصادی ایران به صورت زیر بیان شده است. لازم به ذکر است که به منظور حل مشکل مانا بودن متغیرها، از حالت لگاریتمی آن‌ها استفاده شده است که وجود علامت L در جلوی نام تمام متغیرها به این منظور است.

الف- مدل اشتغال بخش خدمات

$$LES = F(LIGS, LINS, LM_2, Lh^2) \quad (3)$$

که در این مدل

LES: اشتغال بخش خدمات

LIGS: سرمایه گذاری دولت در بخش خدمات

LINS: سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش خدمات

LM₂: عرضه پول

Lh²: عدم اطمینان مالیات‌ها

ب- مدل اشتغال بخش صنعت

$$LEI = F(LIGI, LINI, LM_2, Lh^2) \quad (4)$$

۱- انتشار یافته توسط دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

که در این مدل

LEI: اشتغال بخش صنعت

LIGI: سرمایه‌گذاری دولت در بخش صنعت

LINI: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش صنعت

LM₂: عرضه پول

Lh²: عدم اطمینان مالیات‌ها

ج- مدل اشتغال بخش کشاورزی

$$LEA = F(LIGA, LINA, LVAA, LM_2, Lh^2) \quad (5)$$

که در این مدل

LEA: اشتغال بخش کشاورزی

LIGA: سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی

LINA: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی

LVAA: ارزش افزوده بخش کشاورزی

LM₂: عرضه پول

Lh²: عدم اطمینان مالیات‌ها

د- مدل اشتغال کل بخش‌های اقتصادی

$$LEM = F(LIG, LIP, LM_2, Lh^2) \quad (6)$$

که در این مدل

LEM: اشتغال کل بخش‌های اقتصادی

LIG: سرمایه‌گذاری دولت

LIP: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

LM₂: عرضه پول

Lh²: عدم اطمینان مالیات‌ها

لازم به ذکر است که در مدل بخش صنعت، اطلاعات مربوط به زیر بخش‌های آن، یعنی بخش ساختمان و نفت و گاز، نیز، در نظر گرفته شده‌اند. متغیرهای هر

مدل، با توجه به کارهای انجام شده و آزمون اولیه درباره معنی دار بودن آن‌ها در مدل، تشخیص داده شده‌اند.

۶- تخمین مدل

قبل از تخمین الگو، متغیرها را از نظر مانایی مورد بررسی قرار داده‌ایم که نتایج به صورت زیر می‌باشند:

همان‌طور که مشاهده می‌شود، همگی متغیرها با یک وقفه در سطح احتمال ۰/۱۰ مانااند، که نشان دهنده یک رابطه بلندمدت بین متغیرها است.

جدول ۱- نتایج تخمین مدل

متغیر	ADF	سطح احتمال		
		٪ ۱	٪ ۵	٪ ۱۰
LEI (-1)	-4.39	-4.29	-3.56	-3.21
LES (-1)	-4.24	-4.29	-3.56	-3.21
LEA (-1)	-5.01	-4.29	-3.65	-3.21
LEM (-1)	-5.01	-4.29	-3.56	-3.21
LIP(-1)	-5.26	-4.19	-3.52	-3.19
LIG(-1)	-3.82	-4.20	-3.52	-3.19
LIGA(-1)	-4.20	-4.32	-3.57	-3.22
LIGI(-1)	-4.48	-4.30	-3.57	-3.22
LIGS(-1)	-3.79	-4.33	-3.58	-3.22
LINA(-1)	-5.21	-4.19	-3.52	-3.19
LINI(-1)	-4.30	-4.19	-3.52	-3.19
LINS(-1)	-3.79	-4.19	-3.52	-3.19
LVAS(-1)	-3.64	-3.52	-3.93	-3.60
LVAI(-1)	-3.70	-4.19	-3.52	-3.19
LVAA(-1)	-4.51	-4.19	-3.52	-3.19
LGDP(-1)	-3.97	-4.19	-3.52	-3.19
Lh2(-1)	-4.38	-4.21	-3.53	-3.19

منبع: از نرم افزار Eviews استفاده شده و نتایج به صورت خلاصه آورده شده‌اند.

پس از بررسی مانایی، ابتدا عدم اطمینان مالیات‌ها از روش GARCH برآورد می‌شود که نتایج به صورت زیراند:

$$Z - \text{statistic} \quad 7.21 \quad 46.94 \quad Tax = 190.01 + 1.24 Tax_{t-1} \quad (7)$$

$$h^2 t = 8676.13 + 0.18 h^2_{t-1} + 1.05 \varepsilon^2_{t-1} \quad (8)$$

$$Z - \text{statistic} \quad 2.40-2.15 \quad 9.64$$

$$\text{Durbin-W} = 2.10, \quad h - \text{Durbin}^1 = -0.32$$

$$F = 825 \quad R^2 = 0.98$$

معادله (۸)، بیان‌گر باقی‌مانده‌هایی است که از معادله اول به دست می‌آیند. به این ترتیب، با استفاده از معادله دوم، می‌توان واریانس مالیات‌ها و نوسانات آنها را برای هر سال محاسبه کرد.

چون h بین $-1/96$ و $1/96$ قرار گرفته است، در این صورت فرضیه عدم که طبق آن خود همبستگی از درجه اول (منفی یا مثبت) وجود ندارد، قابل رد نیست. [گجراتی]

نتایج تخمین تابع اشتغال بخش‌های مختلف اقتصادی، به صورت زیر بیان می‌شوند:

بخش خدمات

$$\text{LES} = 06.59 + 0.06 \text{LINS} - 0.01 \text{LIGS} + 0.19 \text{LM}_2 + 0.78 \text{AR}(1) - 0.05 \text{Lh}^2 \quad (9)$$

$$8.31 \quad 1.17 \quad -1.33 \quad 3.34 \quad -2.11 \quad 5.2$$

$$\text{Durbin-W} = 1.76 \quad F = 235 \quad R^2 = 0.53 \quad \text{MA}(1) 2.42 = 0.98$$

بخش صنعت

$$\text{LEI} = 4.49 + 0.05 \text{LINI}(-1) + 0.02 \text{LIGI}(-1) + 0.28 \text{LM}_2$$

$$3.90 \quad 2.24 \quad 1.7 \quad 4.1$$

$$\text{Durbin } R^2 = 0.98 \quad -W = 1.92 \quad F = 0.02 \text{Lh}^2 + 0.93 \text{AR}(1) - 1.04 \quad 30.7 = 279(10)$$

$$1-h = (1 - .5d) \sqrt{\frac{N}{1 - N[\text{var}(\hat{\alpha}_2)]}}$$

بخش کشاورزی

$$LEA=4.84+0.01LIGA+0.22LVAA+0.03LINA(-1)$$

$$2.90 \quad 1.23 \quad 1.64 \quad 1.50$$

$$+0.06LM_2(-1)-0.01Lh^2(-1)+0.90AR(1) \quad (11)$$

$$1.16 \quad -1.17 \quad 17.7$$

$$Durbin -W=1.73 \quad F=27.5 \quad R^2=0.88$$

اشتغال کل

$$LEM=7.72+0.01LIG+0.05LIN(-1)+0.12LM_2(-1)-0.01Lh^2(-1)$$

$$12.70 \quad 1.33 \quad 1.00 \quad 7.18 \quad -1.83$$

$$-0.17AR(1) \quad -0.98 \quad (12)$$

$$Durbin-W=2.12 \quad F=63.26 \quad R^2=0.94$$

بر اساس نتایج به دست آمده، سرمایه‌گذاری دولت، اثر منفی بر اشتغال در بخش خدمات دارد، یعنی با افزایش هزینه‌های عمرانی، اشتغال در بخش خدمات کاهش می‌یابد. دولت با سرمایه‌گذاری بیشتر در این بخش برای بالا بردن بهره‌وری نیروی کار در بخش خدمات، از طریق مکانیزه و اتوماسیون کارها تلاش می‌کند، مثلاً با ایجاد شبکه‌های کامپیوتری، کارهای دستی را که نیازمند نیروی کار بیشتر است، حذف می‌کند، که منجر به کاهش اشتغال در این بخش می‌شود. همچنین دولت با سرمایه‌گذاری در بخش خدمات، سعی در بالا بردن کیفیت خدمات دهی را نیز دارد. البته همان‌طوری که مشاهده می‌کنید کاهش به دست آمده برای هزینه‌های عمرانی بسیار کوچک است. متغیر بعدی که بر اشتغال بخش خدمات تأثیر گذار می‌باشد سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش خدمات می‌باشد. که باعث افزایش اشتغال در این بخش می‌شود. در گذشته بخش خدمات تنها در اختیار دولت بود اما چند سالی است که دولت بخش خصوصی را تشویق به وارد شدن در این بخش می‌کند. عرضه پول نیز تاثیر مثبتی بر اشتغال‌زایی در

بخش خدمات داشته است. متغیر بعدی که مهم‌ترین مورد است، عدم اطمینان مالیات‌ها می‌باشد. هم‌چنان که مشاهده می‌کنید، اثر عدم اطمینان مالیات‌ها بر اشتغال بخش خدمات منفی است. کشش اشتغال بخش خدمات نسبت به عدم اطمینان مالیات‌ها، $0/05$ محاسبه شده است. اگر یک درصد مالیات‌ها تغییرات مثبت داشته باشند اشتغال بخش خدمات $0/05$ درصد کاهش خواهد یافت. همه ضرایب در مدل از نظر آماری قابل قبول‌اند. مدل دارای خود همبستگی بود که پس از رفع خود همبستگی دوربین-واتسن، در قسمت عدم خود همبستگی قرار گرفت.

در مدل تخمینی بخش صنعت، هزینه‌های عمرانی دولت در بخش صنعت، اثر مثبتی بر اشتغال این بخش دارد و سبب افزایش اشتغال در این بخش با یک دوره تاخیر می‌شود. و سرمایه‌گذاری خصوصی نیز اثری مشابه سرمایه‌گذاری دولتی دارد، یعنی پیوسته نیروی انسانی در این بخش حائز اهمیت بوده و با رشد فناوری کاهش نیافته است و همان‌طور که مشاهده می‌کنید، کشش اشتغال نسبت به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، از کشش اشتغال نسبت به سرمایه‌گذاری دولتی بزرگ‌تر است، که تاثیر بالای سرمایه‌گذاری خصوصی در ایجاد اشتغال در این بخش است. عرضه پول در این بخش نیز دارای اثر مثبت است. عدم اطمینان مالیات‌ها، در این‌جا نیز دارای اثر منفی است. کشش به دست آمده نشان می‌دهد که اگر نوسانات مالیات‌ها یک درصد افزایش یابند، اشتغال بخش صنعت $0/02$ درصد کاهش می‌یابد. لازم به ذکر است که بخش صنعت شامل بخش‌های صنایع و معادن، ساختمان و نفت و گاز است. ضرایب از نظر آماری مورد تأییداند و مدل (پس از رفع خودهمبستگی) دارای عدم خود همبستگی و فاقد واریانس ناهمسانی است.

نتایج به دست آمده در بخش کشاورزی نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری دولت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، اثر مثبتی بر اشتغال این بخش است. البته تاثیرات سرمایه‌گذاری با یک وقفه دیرتر نشان داده می‌شوند. و هم‌چنین کشش

به دست آمده برای بخش خصوصی، دلیل کوچک‌تر از کشش سرمایه‌گذاری بخش دولت است. که به دلیل تمایل پایین سرمایه‌گذاران خصوصی برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، شرایط بی‌ثبات بخش کشاورزی می‌باشد. ارزش افزوده در این بخش تاثیر مثبتی بر اشتغال دارد و همچنین عرضه پول با یک دوره تاخیر اشتغال بخش کشاورزی را افزایش می‌دهد. عدم اطمینان مالیات‌ها، اشتغال را در این بخش نیز کاهش داده است، کشش اشتغال بخش کشاورزی نسبت به عدم اطمینان مالیات‌ها، $0/01$ بدست آمده است و با یک دوره تاخیر اشتغال این بخش را کاهش می‌دهد. افزایش یک درصد در نوسانات مالیات‌ها، اشتغال بخش کشاورزی در یک دوره بعد را $0/01$ درصد کاهش می‌دهد. ضرایب همگی قابل قبول‌اند. مدل در ابتدا دارای خود همبستگی بود، که این مشکل رفع شد.

در نهایت، سرمایه‌گذاری خصوصی و کل هزینه‌های عمرانی دولت در نهایت بر اشتغال کل اثری مثبت دارند، اما اثر سرمایه‌گذاری خصوصی بر اشتغال، با تاخیر انجام می‌گیرد. و سهم آن در اشتغال‌زایی، بیشتر از سرمایه‌گذاری دولتی خواهد بود و افزایش عرضه پول نیز با یک دوره تاخیر، اشتغال کل را افزایش خواهد داد و عدم اطمینان اشتغال کل را کاهش می‌دهد، کشش محاسبه شده آن $0/01$ است. و اثرگذاری آن با یک دوره تاخیر صورت می‌گیرد. با یک درصد افزایش در نوسانات مالیات‌ها، $0/01$ درصد اشتغال کل با یک دوره تاخیر کاهش می‌یابد. ضرایب همگی قابل قبول‌اند. مدل در ابتدا دارای خود همبستگی بود، که این مشکل رفع شد.

جدول ۲- هم‌انباشتنی

پس‌ماند	ADF	احتمال			بررسی هم‌انباشتنی
		٪ ۱	٪ ۵	٪ ۱۰	
Resid A	-4.83	-4.33	-3.58	-3.22	مدل هم‌انباشته است
Resid S	-3.23	-3.70	-2.97	-2.64	مدل هم‌انباشته است
Resid I	-4.37	-4.33	-3.58	-3.22	مدل هم‌انباشته است
Resid M	-3.86	-4.41	-3.62	-3.24	مدل هم‌انباشته است.

Resid A: پس ماند بخش کشاورزی

Resid S: پس ماند بخش خدمات

Resid I: پس ماند بخش صنعت

Resid M: پس ماند مدل اشتغال کل

نتایج نشان می‌دهند که پس مانده‌های مدل‌ها، دارای هم‌انباشتگی از رتبه صفر بوده که دلالت بر عدم وجود رگرسیون کاذب دارند.

۸- نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله، بررسی اثر نااطمینانی مالیات‌ها بر اشتغال بخش‌های اقتصادی است. بر این اساس، ابتدا عدم اطمینان مالیات‌ها از روش GARCH اندازه‌گیری شد و سپس اثر آن‌ها بر اشتغال بخش‌های اقتصادی بررسی شد، به این صورت که توابع اشتغال بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی (عدم اطمینان مالیات‌ها، یکی از متغیرهای مستقل این توابع محسوب می‌شد). به صورت جداگانه و به روش حداقل مربعات برآورد شدند.

نتایج نشان می‌دهند که هزینه‌های عمرانی دولت بر اشتغال بخش خدمات اثری منفی و بر اشتغال بخش صنعت و کشاورزی اثر مثبت دارد، که نشان‌دهنده سیاست دولت برای اشتغال‌زایی در بخش‌های صنعت و کشاورزی است و سرمایه‌گذاری خصوصی نیز، اشتغال در بخش کشاورزی، صنعت و بخش خدمات را افزایش داده است.

عرضه پول نیز، تاثیر مثبتی بر ایجاد اشتغال در بخش‌های مختلف دارد، ولی اثر گذاری آن با تاخیر انجام می‌گیرد.

عدم اطمینان مالیات‌ها نیز، اشتغال بخش صنعت، خدمات و کشاورزی را کاهش می‌دهد، یعنی اگر دولت در نحوه اخذ مالیات، سیاست ثابت و یکسانی را اجرا نکند، به علت ایجاد نااطمینانی در سیاست‌های مالیاتی، اشتغال بخش‌های اقتصادی کاهش می‌یابد.

در بخش دیگر این پژوهش، به منظور پرهیز از پدیده رگرسیون کاذب، برای همه مدل‌ها، آزمون هم‌انباشتگی انجام شد و نتایج نشان دادند که جملات اخلاص همه معادلات برآورد شده، انباشته از رتبه صفر بوده، که دلالت بر عدم وجود رگرسیون کاذب دارد، پس می‌توان نتیجه گرفت که تمامی الگوها، برآورد شده، در بلند مدت با ثبات بوده‌اند.

همان‌طور که نتایج نشان دادند، هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولت، سبب ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی و صنعت و کاهش اشتغال در بخش خدمات می‌شوند. پیشنهاد می‌شود که دولت (به دلیل کاهش بالاتر بخش کشاورزی) سرمایه‌گذاری خود را در بخش‌های زیر بنایی کشاورزی افزایش دهد و بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری در بخش خدمات و صنعت تشویق کند، تا هم سبب افزایش اشتغال شود و هم بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد.

هم‌چنین پیشنهاد می‌شود که دولت سیاست‌های ثابتی را برای اخذ مالیات اجرا کند، زیرا تغییر در مالیات‌ها، منجر به بی‌ثباتی سیاست‌های مالی می‌شود و این موضوع نیز، سبب می‌شود که پیش‌بینی وضعیت آینده مشکل شود و بنگاه‌های اقتصادی نتوانند به راحتی برای آینده برنامه‌ریزی کنند. لذا بهتر است که دولت سیاست‌های مالیاتی با ثباتی را برای دوره زمانی مشخص طراحی کند و از میزان بی‌ثباتی در درآمدهای نفتی بکاهد (تا درآمدهای مالیاتی، متاثر از درآمدهای نفتی نباشند) که ایجاد صندوق ذخیره ارزی می‌تواند به این مسئله کمک کند تا با این کار، درآمدهای مالیاتی نیز دارای ثبات شوند.

فهرست منابع

- ۱- آقایی‌اله‌محمد، (۱۳۸۳)، بررسی اثر سیاست‌های مالی دولت - جنبه‌های مالیاتی - بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران، پژوهشکده امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور.
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، نماگرهای اقتصادی، شماره‌های مختلف.

- ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی، حساب‌های ملی ایران، سال‌های مختلف.
- ۴- برانسون ویلیام (۱۳۸۳)، تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان، شاکری عباس، نشر نی، ۱۳۷۳.
- ۵- بی اسنودن، اچ وین، پی وینار کوویچ، راهنمای نوین اقتصاد کلان، خلیلی عراقی منصور و علی سوری، انتشارات برادران، پاییز ۱۳۸۳.
- ۶- بیدرام، رسول، (۱۳۸۱)، Eviews همگام با اقتصاد سنجی، چاپ اول، تهران، انتشارات منشور بهره‌وری.
- ۷- تقوی، مهدی و ابراهیم رضایی، (۱۳۸۳)، بررسی اثر سیاست‌های مالی بر مصرف و اشتغال، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره پانزدهم، ص ۱۳۲ - ۱۰۹
- ۸- رزاقی، ابراهیم، (۱۳۸۰)، آشنایی با اقتصاد ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات نشر نی.
- ۹- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (۱۳۷۶)، دفتر اقتصاد کلان، آمار هزینه‌های دولت، تهران.
- ۱۰- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (۱۳۷۶)، سری زمانی آمارهای اقتصادی - اجتماعی تا سال ۱۳۷۵.
- ۱۱- سامتی، مرتضی، (۱۳۸۲)، اشتغال، بازار کار و سیاست‌های اقتصادی، تهران، موسسه کار و تأمین اجتماعی.
- ۱۲- گجراتی، دامودار، مبانی اقتصاد سنجی، حمیدابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۷۷).
- 13-Asterieous Dimitrios and Price Simon, (2000), "Uncertainty, Investment and Economic Growth: Evidence from a Dynamic panel", City University.
- 14-Davidson, P, (1991), "Is Probability Theory Relevant for Uncertainty. A Post Keynesian Perspective", Journal of Economic Perspectives, Winter Issue.

- 15-Davidson.P,(1984), "Reviving Keynes's Revolution", Journal of Post Keynesian Economics, summer Issue.
- 16-Fitzgiobbons, A., (1988), "Keynes's Vision", Oxford: Oxford University Press.
- 17-FRBSF Economic Letter, (2002), "The Role of Fiscal Policy".
- 18-Giovanni Oibartolomeo , Marco Manzo & Francesco Giuli , (2005) , "policy uncertainty , symbiosis , and the optimal Fiscal and monetary concreteness".
- 19-Joo Lee Byung , (2002) , "Hitchhikers guide to reviews and reviews and econometrics" , university of Notre dame.
- 20-Lensink Robert Hong Bo and Sterken Elemer, (1999), "Does Uncertainty Affect Economic Growth? An Empirical Analysis", The Netherlands, university of Groningen.
- 21-Serven Luis, (1998), "Macro economic Uncertainty and Private Investment in LDCs: An Empirical investigation", The World Bank Publication.
- 22- Shapiro. N, (1978), "Keynes and Equilibrium", Australian Economic Papers, December
- 23-Subrana Samanta K, (1998), "Exchange Rate Uncertainty and Foreign Trade for a Developing Country: An Empirical Analysis", The Indian Economic Journal, pp.51-61
- 24-Tanzi, (1995), "Government role and efficiency of policy Instrument", IMF working paper.
- 25-Tine Dhont , Freddy Heylen , (2005) , "Fiscal policy , Employment and Growth : why is the Euro area Lagging behind ? " paper presented at the 20th " EEA " Conference , Ghent university.
- 26- Vickers. D, (1979-80), "Uncertainty, choice and Marginal Efficiencies", Journal of Post Keynesian Economics, winter Issue.
- 27- Walter . Ashewaet and Samuel s – wilks , (2002) , "Applied econometric time series".
- 28-Weinteraib.E.R, (1975), "Uncertainty and the Keynesian Revolution", History of Political Economy, Winter Issue.

پیوست‌ها:

جدول ۳- اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی طی ۱۳۸۳-۱۳۵۷

ارقام به هزار نفر

سال	اشتغال بخش صنعت	اشتغال بخش کشاورزی	اشتغال بخش خدمات	اشتغال کل
1357	2929.797	3562.029	3125.081	9616.907
1358	3049.909	3527.093	3314.111	9891.113
1359	2937.777	3497.114	3517.648	9952.539
1360	2801.36	3469.867	3722.32	9993.547
1361	2770.823	3397.465	3957.327	10125.62
1362	2774.638	3318.4	4237.146	10330.18
1363	2811.676	3264.954	4506.261	10582.89
1364	2814.192	3216.431	4764.607	10795.23
1365	2835.791	3190.764	5029.775	11056.33
1366	2932.826	3193.441	5231.889	11358.16
1367	2943.935	3197.325	5446.509	11587.77
1368	3066.872	3201.449	5679.073	11947.39
1369	3275.753	3209.918	5947.183	12432.85
1370	3630.302	3220.009	6246.284	13096.6
1371	3784.384	3234.725	6349.231	13368.34
1372	3820.198	3249.702	6437.569	13507.47
1373	3963.3	3280.421	6527.842	13771.56
1374	4165.256	3326.668	6595.505	14087.43
1375	4472.958	3357.263	6741.351	14571.57
1376	4568	3388	6847	14803
1377	4600	3423	6940	14963
1378	4674	3460	7109	15243
1379	5040	3493	7224	15757
1380	5628	3531	7360	16519
1381	5732.27	3687.38	8402.92	17822.57
1382	5702.483	3706.893	8571.704	17981.08
1383	6281.234	3894.777	8333.199	18509.21

ماخذ: امینی، علیرضا، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (۱۳۷۶)، دفتر اقتصاد کلان.

جدول ۴- درصد اشتغال در بخش‌های مختلف

اشتغال کل	اشتغال در بخش خدمات	اشتغال در بخش کشاورزی	اشتغال در بخش صنعت	سال
100	0.324957	0.370392	0.304651	1357
100	0.335059	0.356592	0.308348	1358
100	0.353442	0.351379	0.295179	1359
100	0.372472	0.347211	0.280317	1360
100	0.390823	0.335532	0.273645	1361
100	0.410171	0.321233	0.268595	1362
100	0.425806	0.308512	0.265681	1363
100	0.441362	0.297949	0.260688	1364
100	0.454923	0.288592	0.256486	1365
100	0.460628	0.281158	0.258213	1366
100	0.470022	0.275922	0.254055	1367
100	0.47534	0.267962	0.256698	1368
100	0.478344	0.25818	0.263476	1369
100	0.47694	0.245866	0.277194	1370
100	0.474945	0.241969	0.283086	1371
100	0.476593	0.240586	0.282821	1372
100	0.474009	0.238203	0.287789	1373
100	0.468184	0.236144	0.295672	1374
100	0.462637	0.230398	0.306965	1375
100	0.462541	0.228873	0.308586	1376
100	0.463811	0.228764	0.307425	1377
100	0.466378	0.226989	0.306633	1378
100	0.458463	0.221679	0.319858	1379
100	0.445548	0.213754	0.340699	1380
100	0.471476	0.206894	0.32163	1381
100	0.476707	0.206155	0.317138	1382
100	0.450219	0.210424	0.339357	1383
۱۰۰	۴۴٫۲	۲۶٫۸	۲۹	متوسط کل دوره

ماخذ: امینی، علیرضا، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۴)، دفتر اقتصاد کلان

